

بررسی آیات «تحدی» بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»**

محسن ذوالفقاری^۱
فاطمه دسترنج^۲

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف» یکی از نظریات مهم در حوزه گفتمان‌کاوی است که ضمن بیان رابطه میان ملاک‌های درونی و بیرونی متن با تکیه بر اشکال زبانی و نشانه‌ها، در تلاش است قدرت مسلط جامعه و فضایی را که اثر ادبی در آن شکل گرفته از طریق سه محور «توصیف»، «تبیین» و «تفسیر» مورد واکاوی قرار داده و نوعی مفهوم ایدئولوژیک را در ورای متن، بازخوانی کند؛ دستاورد پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی حاکی از آن است که در سطح «توصیف»، واژگان کلیدی در توصیف و نقد گفتار و کردار مشرکان با بسامدهای مختلفی در سیاق آیات تحدی، تکرار شده که نقشی اساسی در باز نمود ایدئولوژی حاکم بر جامعه داشته و بازتابی جامع و دقیق از اوضاع و احوال جامعه عصر نزول است. سطح «تفسیر»، ترکیبی از محتوای متن و دانش‌های زمینه‌ای و منطبق بر کنش متقابل تاریخی است که نشان می‌دهد ساختارهای اجتماعی، چگونه گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف کرده و تعیین می‌بخشند. در سطح «تحلیل» نیز نظم‌آهنگ و بلاغت قرآن مهم‌ترین عامل در کنش افراد برای همداردی با قرآن است. هر چند مناسبات اجتماعی عصر نزول و ابعاد فرازمانی قرآن نیز در نزول آیات مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، آیات تحدی، نورمن فرکلاف

** تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

m-zolfaghary@araku.ac.ir

۱- نویسنده مسئول: استاد گروه ادبیات و زبان فارسی دانشگاه اراک.

f-dastranj@araku.ac.ir

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک.

۱ - مقدمه

گسترش مباحث علوم قرآنی و ارتباطی که این مباحث با سایر علوم برقرار می‌کند زمینه‌ساز مطالعات میان رشته‌ای است. در این بین، تحلیل گفتمان (Discourse analysis) از جمله حیطه‌هایی است که این امکان را فراهم می‌سازد تا به گونه‌ای روشمند از ظرفیت سایر رشته‌ها جهت این‌گونه مطالعات بهره برده شود. از آنجایی که قرآن کریم دارای جهان بینی و ایدئولوژی خاصی می‌باشد و مباحث آن نیز جدای از فرهنگ و جامعه نیست، بنابراین تحلیل مباحث انعکاس یافته در آن، از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و موجب درک عمیق موقعیت اجتماعی و فرهنگی عصر نزول قرآن، فهم دقیق آیات قرآن و نیز سبب بازخوانی مطالبی می‌شود که در ورای متن آیات نهفته است. زیرا هدف این روش تحلیل، سامان دادن، نظام‌مند کردن و استفاده بهینه از مؤلفه‌هایی نظیر تحلیل واژگان و اصطلاحات، بررسی انسجام متن، سیاق و بررسی روابط بینامتنی است که معنای مرکزی متن را سامان می‌دهند (شکرانی، ۱۳۸۹: ۹۹)؛ لذا تحلیل گفتمان به منزله رویکردی زبان‌شناسی به بررسی چگونگی پیوند آثار ادبی با محیط اجتماعی و تأثیر این محیط بر روش و اسلوب متون ادبی می‌پردازد.

از آنجا که قدرت حاکم بر هر جامعه‌ای گفتمان آن جامعه را سامان می‌بخشد، متون ادبی با محیط اجتماعی عصر خود پیوندی تنگاتنگ داشته و بازتابی از محیط اجتماعی و شرایط فرهنگی و سیاسی عصر خویش‌اند. از آنجا که نظریه گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف متن را در سطوح مختلف معنایی، سبکی و موقعیت یا بافت اجتماعی آن بررسی می‌کند کارایی بسیاری برای تحلیل انواع متون دارد. لذا این پژوهش در پی رهیافتی جدید به منطبق نزول آیات تحلیلی با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف به بررسی چگونگی تعامل زبانی قرآن با اوضاع خفقان‌آور مسلط بر زمان، که مشرکان به آن دامن زده بودند، می‌پردازد و چگونگی پیوند آیات تحلیلی با قدرت مسلط بر جامعه را در سه لایه توصیف، تفسیر، و تبیین بررسی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که براساس تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهای واژگانی و کلامی آیات تحلیلی چه مفاهیم و محتوایی را به مخاطب القا می‌کند؟

۲- پیشینه

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته بر پایه نظریه نورمن فرکلاف، مقاله «بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربردی آن در مطالعات قرآنی»، (۱۳۹۰) توسط رضا شکرانی است که در آن به کاربردی گفتمان‌کاوی به صورت کلی و نظریه انتقادی «فرکلاف» به صورت جزئی در آیات قرآن اشاره شده است. پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی سوره آل عمران، بر اساس نظریه نورمن فرکلاف» در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد که در سال (۱۳۹۳) در دانشگاه تربیت معلم تهران ارائه شده است، نگارنده در این پژوهش به بررسی آیات سوره مذکور بر اساس سطوح ارائه شده در الگوی «فرکلاف» پرداخته است. اگرچه موضوعات متعدد قرآنی، محور برخی پژوهش‌های تحلیل گفتمانی بوده است، اما علیرغم اهتمام عالمان و قرآن پژوهان به موضوع «تحدی قرآن» و تألیف آثار متعدد در این رابطه، اما تاکنون از منظر نظام‌های تحلیل گفتمان به مبحث تحدی، پرداخته نشده و عمده تلاش‌ها در مبحث آیات تحدی جهت کشف ترتیب و سیر نزول آیات تحدی است، مانند آنچه آقای بهجت‌پور در مقاله «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی» انجام داده و نیز مقاله «واکاوی ملاک تحدی و نقد منطق تنزیلی» که ملاک تحدی را مورد بررسی کرده است.

بنابراین، وجه تمایز نوشتار حاضر به پژوهش‌های پیش گفته آن است که هیچ‌یک از منظر نظام‌های تحلیل گفتمان به این مبحث ورود نکرده‌اند. از این‌رو این پژوهش، در صدد است ضمن تبیین نظام‌های گفتمانی موجود در آیات تحدی، ساخت‌زبانی و ایدئولوژی حاکم بر آن را بیان کند.

۳. تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

تحلیل گفتمان ریشه در زبان‌شناسی دارد و از جمله روش‌های کیفی تحقیق است که از آن می‌توان به عنوان ابزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد. (کوبلی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۰۰) در واقع، تحلیل گفتمان، تلاشی در جهت کشف و تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری و اجتماعی آن است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) که به کشف معانی ظاهری و مستتر جریانهای گفتمانی منجر می‌شود که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی آشکار می‌شوند. (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴)

«گفتمان» انواع گوناگونی دارد که تحلیل گفتمان انتقادی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. فرکلاف در مطالعات اولیه خود، رویکرد خود را در حوزه زبان و گفتمان «تحلیل انتقادی گفتمان» نامید که به

واسطه آن، علوم اجتماعی و زبان‌شناسی در یک چهارچوب تئوریک و تحلیلی واحد، با یکدیگر جمع شوند و تعامل و دیالوگی در میان آنها ایجاد شود تا نشان دهد که شاخصه‌های زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی بطور سیستماتیک با آنچه که در سطوح اجتماعی رخ می‌دهد در ارتباط است (آقاگل زاده، ۱۳۹۱: ۵).

گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح تحلیل توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. توصیف مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن ارتباط دارد. در سطح توصیف، متن براساس مشخصه‌های زبان‌شناختی، اعم از ساخت واژه یا صرف، معناشناسی و تا حدودی کاربردشناسی مورد توصیف واقع می‌شود. در واقع، توصیف پیش فرض تفسیر است. سطح تفسیر، با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی زبان و عوامل بینامتنی به تحلیل متن می‌پردازد (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۱۲۵).

سطح تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را جهت می‌بخشد. به تعبیر دیگر، سطح تبیین به توضیح چرایی تولید چنین متنی در آن زبان، در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، ایدئولوژی، قدرت، قراردادها و بافت فرهنگی اجتماعی جامعه می‌پردازد (آقاگل زاده، ۱۳۹۱: ۱۸). مرحله تبیین، متضمن ترسیم چشم‌انداز خاصی درباره دانش زمینه‌ای است که این چشم‌اندازها، مشخصاً به عنوان ایدئولوژی‌های گوناگون قلمداد می‌شوند.

بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی نوین فرکلاف، تلاشی معرفت‌شناسانه و متکی بر روش‌های کیفی در مطالعه متون گوناگون با هدف بازشناسایی چگونگی شکل‌گیری محتواپذیری آنها تحت تأثیر بافت متن، بافت موقعیتی، و بافت موضوعی‌ای است که سازنده و پردازنده متن است؛ تا بتوان در پرتو شناسایی این ابعاد سه‌گانه به میزان بیشتری از حقیقت موضوع مورد مطالعه دست یافت. آنچه در ادامه می‌آید شامل تحلیل آیات تحدی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است.

۳-۱. تحلیل گفتمان آیات تحدی در سطح توصیف

مقصود از سطح توصیف شناخت متن در چهارچوب بافت متن و ربط منطقی بین واژگان و معناست. لذا اولین نقطه تمرکز تحلیل مدل سه‌قسمتی «فرکلاف»، متن است، زیرا متن ادبی با استفاده از بسامد واژگان، گفتمان حاکم بر جامعه را بازتاب می‌دهد. به هم پیوستگی واژگان در متن، یک معنا و

مفهوم خاص را به تصویر می‌کشد و معنای واژگان مفرد در ارتباط با دیگر عناصر، تداعی‌گر یک مفهوم و معنای برخاسته از کل سخن است (جرجانی، ۱۹۹۷: ۸۷). در سطح متن، اصطلاحات و جملات و تکرار واژگان و مضامین از جمله مؤلفه‌های قابل تحلیل هستند.

از جمله نکات بدیع در قرآن کریم، عنصر تکرار لفظی و محتوایی است که می‌تواند به عنوان ابزاری هنری، کارکردهای ادبی و مفهومی مختلفی داشته باشد (کزاز، ۱۳۷۰: ۲۷۳)؛ به نحوی که به قصد تأکید، تعظیم یا غرضی دیگر، لفظ یا مفهومی، چند بار آورده می‌شود (رادفر، ۱۳۶۸: ۴۰۳)؛ بنابراین تکرار ابزاری مفید برای کشف کلیدواژه‌های متن است که می‌تواند به عنوان بستری برای تحلیل متن و تبیین و کشف معانی گزاره‌های زبانی، به کار رود و جهان بینی و ایدئولوژی نهفته در پس متن را هویدا سازد (ایزوتسو، ۱۳۹۲: ۹۰).

خداوند متعال در آیات تحدی، بیشتر مفاهیم را با تکرار برای مخاطب القا می‌کند تا از این رهگذر بتواند گره گشای اسراری باشد که برای انسان‌ها درس عبرت آموزی شود. واژگان کلیدی موجود در آیات تحدی به منزله محور اصلی بحث، نقشی اساسی در باز نمود ایدئولوژی حاکم بر جامعه دارند؛ از این رو این گفتمان با تبیین جبهه حق و باطل، سامان یافته است. توصیف و نقد گفتار و کردار مشرکان با بسامدهای مختلفی و با واژگان گوناگون در سیاق آیات تحدی، تکرار شده که بازتابی جامع و دقیق از اوضاع و احوال جامعه عصر نزول است.

عالمان علوم قرآن، در مجموع، پنج آیه را در زمره آیات تحدی بر شمرده‌اند که به شرح زیر است:

تحدی به مثل قرآن - اسراء / ۸۸: قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.

ظهير»، از «ظهر» به معنای پشتوانه و پشتیبان است. آیه، پاسخی است به سخن کفار که می‌گفتند: «لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا» (انفال/ ۳۱) ما هم اگر بخواهیم، می‌توانیم مثل قرآن را بیاوریم. (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۱۵)

تحدی به مثل یک سوره - یونس / ۳۸: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْطَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

تحدی به مثل ده سوره - هود / ۱۳: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْطَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

تحدی به گفتاری مثل قرآن - طور / ۳۳ و ۳۴: ام یقولونَ تَقَوْلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ - فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.

تحدی به مثل یک سوره - بقره / ۲۳: وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

مجموعه ویژگی‌های ظاهری شامل واژگان، دستور و ساخت‌های متنی، که در این آیات یافت می‌شوند، می‌توانند به عنوان انتخاب‌های خاصی از میان گزینه‌های موجود در انواع گفتمان‌هایی تلقی شوند که آیات از آنها استفاده می‌کند.

کلمه «افتری» از جمله واژگان به‌کار رفته در آیات تحدی است که علاوه بر آیات تحدی، هفت مرتبه در سیاقی چون «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» در سوره‌های انعام / ۲۱ و ۹۳، اعراف / ۳۷، یونس: ۱۷، هود: ۱۸، عنکبوت: ۶۸ و صف: ۷ به‌کار رفته است، در آیه مورد نظر، واژه «افتری» با واژه‌های «أظلم»، «الله»، «کذبا» بر اساس قواعد نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند. واژه «افتری» در لغت به معنای «دروغ» و «امری برساخته» است (فیروزآبادی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۲۱۳؛ ابن فارس، ۱۴۲۹، ج ۸: ۸۸). بر اساس همنشینی کلمه «اظلم» با لفظ «الله»، و این لفظ با واژه «افتری» و «کذب» از یک سو به خدا دروغ بسته شده است و از سوی دیگر، دروغ بستن به خدا، ظلم به شمار می‌آید و چون عزت مطلق از آن خداست، ظلم در قبال او «اظلم» خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۴).

در آیات تحدی جانیشینی واژه «افتراه» (یونس / ۳۸ و هود / ۱۳) و «تقوله» (الطور / ۳۳) دیده می‌شود و از رابطه همنشینی واژه‌های «يقولون»، «افتراه / تقوله» می‌توان گفت مراد از ضمیر فاعلی در واژه «يقولون»، مشرکان، و ضمیر فاعلی و مفعولی در واژه «افتراه» به ترتیب، «پیامبر» و «قرآن» است. علاوه بر نسبت مشرکان در آیات تحدی به پیامبر (مفتری) و قرآن (مفتری)، در آیات دیگر نیز نسبت‌هایی دیگر به پیامبر و قرآن داده‌اند. با توجه به آیات «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (العنکبوت / ۶۱)، مشرکان الله را به عنوان خالق جهان و انسان می‌شناختند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۵۷). بنابراین، همنشینی واژه «افتراه» و لفظ جلاله «الله» در آیات تحدی، رمزگشایی می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۱۱۹) اینکه مشرکان فقط به ربوبیت تکوینی الله، معتقد بودند و ربوبیت تشریحی را از آن بت‌ها می‌دانستند: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ» (الزمر / ۳)

(طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۳۳)؛ بنابراین، آنان به ربوبیت تشریحی و ارتباط مستقیم و بی واسطه بشر با الله، معتقد نبودند. «وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (ص/۳ و یونس/۲) از این رو، به پیامبر نسبت شاعر (الصَّافَات/۳۶؛ الأنبياء/۵ و الطُّور/۳۰)، کاهن (الحاقه/۴۲ و الطور/۲۹) و ساحر (ص/۴ و یونس/۲) و مجنون (کسی که با جن ارتباط دارد) می دادند (القلم/۵۱؛ الحجر/۶؛ المؤمنون/۷۰ و سبأ/۸)؛ چراکه در فرهنگ جاهلی هر شاعر، جنی ویژه خود داشت که به واسطه ارتباط با آن جن شعر می سرود (سلیم الحوت، ۱۳۹۰: ۴۸۴-۴۹۱؛ القرشی، ۱۹۸۱: ۵۰-۵۱)؛ لذا با این تحلیل، خداوند متعال، در آیه ۳۸ سوره یونس، واژه «افتراه» و در آیه ۱۳ سوره هود، علاوه بر آن از واژه «مفتریات» نیز بکار رفته است.

به منظور تفسیر ویژگی هایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، توجه به دیگر انتخاب-های ممکن نیز ضروری است. در آیه ۳۸ سوره یونس و ۱۳ سوره هود، به منکران قرآن گفته شده که از هر کسی یاری بگیرد و در آیه ۲۳ سوره بقره، شاهدان خود را غیر از خداوند بخوانید. انتخاب تعبیر «مِنْ ذُوْنِ اللَّهِ» در دو آیات تحدی، به آن دلیل است که می تواند باشد که خداوند در مقام القای این مطلب به آنان است که این قرآن نمی تواند حاصل شاعریت پیامبر با ارتباط گرفتن با جن یا اینکه پیامبر آن را از شخصی آموخته یا اساطیر اولین باشد. بنابراین، آنچه آنان مطرح می کنند فارغ از اندیشه و تعقل است و لذا دروغی بیش نیست. تعابیر «فَأَنْتَ يُؤْفِكُونَ» (العنکبوت/۶۱)؛ «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (العنکبوت/۶۳) در آیات هم مضمون مفید این معناست (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۴۸).

از این رو، در تحلیل گفتمان انتقادی آیات تحدی به برجسته ترین شاخص های واژگانی و دستوری براساس الگوی تحلیلی فرکلاف می تواند ختم شدن آیات تحدی با فراز «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا» (البقره/۲۴) باشد به آن دلیل که اگر گفتنان منکران قرآن، مطابق با واقع است پس باید بتوانید مثل قرآن را بیاورند و در غیر این صورت باید بدانند قرآن به علم خدا نازل شده است: «فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ...» (هود/۱۳)

مماثلت در آیات تحدی، نقطه کانونی در تحلیل گفتمان انتقادی آن است. واقعیت آن است که علت مفرد آمدن صفت «سُور» (مِثْلُهُ) در آیه «قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ» که باید بر اساس مطابقت صفت و موصوف، به صورت جمع (أَمْثَالُهُ) باشد، آن است که چون هر یک از ده سوره

ساخت بشر یکی از ویژگی‌های یک سوره قرآن را دارد، از این رو، ده سوره در حکم یک سوره است. بنابراین، از این باب، «مِثْلُه» به کار رفته است تا به این نکته اشاره شود. افزون بر این، با آنکه «مُفْتَرِيَات» هم صفت «سُور» است، علت جمع آمدن آن نیز آن است که هر یک از سوره‌های ساخت بشر مفتريات‌اند نه آنکه روی هم رفته، امر مفتری باشند (ابن هشام، ۱۴۲۳، ج: ۶، ۳۰۳).

مراد از «مِثْلُه» در آیه ۳۸ سوره یونس و ۱۳ سوره هود را با تقدیر واژه «سُورَه» به معنای «مثل سوره قرآن» دانسته‌اند. در تحلیل نهایی این مماثلت باید گفت با توجه به این قاعده که اصل عدم تقدیر است و هر تقدیری نیاز به قرینه دارد (الزركشي، ۱۳۹۱، ج: ۳، ۱۰۴). در تقدیر واژه «سُورَه» بین واژه «مِثْل» و ضمیر «هـ» در کلمه «مِثْلُه» قرینه‌ای ارائه نشده است. از این رو، تحدی قرآن به آوردن یک سوره، ده سوره و حدیثی همانند قرآن، به معنای تحدی جنس سوره است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج: ۲، ۴۲۱). لذا در آیات تحدی، جانیشینی «سوره» و «حدیث»، نشانگر آن است که آنان در مقدار تحدی در محدودیت سوره نبوده و از این نظر در مقدار متن در وسعت هستند.

۳-۲. تحلیل گفتمان آیات تحدی در سطح تفسیر

نورمن فرکلاف تفسیر را ترکیبی از محتوای متن و ذهنیت مفسر می‌داند و مقصود او از ذهنیت مفسر، دانش‌های زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌گیرد (فرکلاف: ۱۳۷۹: ۲۱۵). از نظر فرکلاف قلمروهای تفسیر زمینه متن مانند زمینه‌های بینامتنی بر آگاهی‌های پیشین، مانند نظم‌های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی، منطبق است.

بنابراین تحلیل گفتمان آیات تحدی در سطح تفسیر از لایه‌های معنایی در ظاهر آیات آغاز و در بطون آیات ادامه می‌یابد. در نتیجه، در تحلیل متون، کانون توجه دائماً بین آنچه در متن وجود دارد و انواع گفتمان‌هایی که متن از آنها استفاده می‌کند در نوسان است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). در واقع، یکی از اهداف اصلی تحلیل گفتمان تشریح فهم‌های بدیهی انگاشته و تبدیل آنها به موضوع بحث، نقد و آماده کردن آنها برای تغییر است، به بیان دیگر هدف آن است که تعیین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان، که ماهیتاً از دید مشارکان آن مخفی است، آشکار شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۷). آیات قرآن ضمن تبیین اصول و آموزه‌های دینی، بازتابی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی حاکم بر عصر نزول است که برای فهم صحیح آیات و دستیابی به مراد الهی، لازم است بستر نزول و کنش مخاطبان عصر نزول نیز مد

نظر قرار گیرد. رمزگشایی از این امور، عمق ادراک آدمی را از قرآن افزایش می‌دهد. بر این اساس، منطق نزول آیات تحدی و سیر نزول آنها موضوعیت می‌یابد. از این رو، بنابر تحلیل آیات متعدد در حوزه معنایی تحدی، برخی معتقدند سیر نزول آیات تحدی از دشوار به آسان یا از اشد به اخف صورت گرفته است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۴۷؛ رافعی، بی تا: ۱۹۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)؛ البته این دیدگاه بی توجه به ترتیب نزول سوره هود و یونس است، زیرا با توجه به روایات، سوره یونس پیش از سوره هود نازل شده است و نمی‌توان مانند فخر رازی برای اثبات نظر خود امری را به قرآن تحمیل نمود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵۴: ۱۷).

رویکرد دیگر تفسیری، توجه به آیات تحدی بدون اصرار برای ترتیب نزول آنها و عدم لزوم تعمیم سیر از دشوار به آسان است. در این رویکرد، با توجه به سیاق و محتوای آیات تحدی، منطق نزول آیات تبیین می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۲).

از نگاه فرکلاف، کنش گفتمان از طرفی فاصله میان جامعه و فرهنگ و از طرف دیگر فاصله میان گفتمان، زبان و متن را افزایش می‌دهد (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۶۶)؛ لذا از مباحثی که حول آیات تحدی مطرح است توجه به دامنه تحدی است. برای مثال دکتر بنت الشاطی تحدی را محدود به عصر نزول می‌داند (بنت الشاطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۷۳) در حالیکه آیت الله معرفت دامنه تحدی را فراگیر و شامل همه جهانیان و همه زمان‌ها می‌داند (معرفت، ۱۳۹۳: ۲۲۵).

کنش دیگر گفتمان، در مورد وجوه تحدی است. برخی به جنبه‌های لفظی و ادبی توجه نموده و گروهی دیگر بر معارف قرآن و ویژگی‌های هدایت‌بخشی آن تأکید کرده‌اند (پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۷). برخی نیز به ویژگی‌های آورنده قرآن، به عنوان وجه مورد تحدی اشاره کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۸).

از آنجا که متون در درجه نخست دارای کلیتی هستند که خود به آن وابسته‌اند در داخل متون نیز مجموعه‌ای از اجزا وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط‌اند، بلکه گفتمانی را می‌سازند که به مجموعه‌ای از عوامل بیرون متکی است. هر متنی افزون بر بافت متن و فرایند تفسیر آن شدیداً از شرایط اجتماعی تولید و تفسیر شده در آن متأثر است. گرچه اکثر مفسران مفاد آیات تحدی را ناظر به کل قرآن دانسته‌اند ولی این احتمال که مقصود از قرآن در این آیات معنای جنسی باشد به صورت جدی مطرح است زیرا قرآن از ماده قرائت است و قرائت و تلاوت، هم بر کل قرآن صادق است و هم

بر جزء آن. علاوه بر آن هنگام نزول این آیات، تمام سوره‌های قرآن نازل نشده بود. بنابراین نمی‌توان تحدی در این آیات را تحدی به کل قرآن دانست. در این صورت بحث از «ترتیب تحدی» با عنایت به گفتمان آیات و کنش مخاطبان، چندان قطعی به نظر نمی‌رسد.

۳-۳. تحلیل گفتمان آیات تحدی در سطح تبیین

فرکلاف در سطح تبیین، به دنبال بیان شالوده و نظریات اجتماعی است که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقش دارند. در حالی که تفسیر چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). به عبارت دیگر، هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف کرده و تعیین می‌بخشند.

در تحلیل این سطح باید گفت که آیات تحدی از مجموعه‌ای از عوامل و انگیزه‌هایی تشکیل شده که این عوامل در ایجاد کنش‌های اجتماعی مخاطبان، نقش بسزایی دارد. نظام‌ها و بلاغت قرآن مهمترین عامل در کنش افراد برای همدادی با قرآن است. مسلماً مناسبات اجتماعی آن زمان و یا آنچه قرار است در زمان‌های بعدی رخ دهند نیز در نزول آیات مؤثر است.

در حقیقت آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء / ۸۸) دامنه تحدی را روشن می‌سازد، دامنه تحدی همه عالمیان را شامل می‌شود و تحدی قرآن فراگیر است (معرفت، ۱۳۹۳: ۲۲۴). در این آیه، اطلاق جن و انس و نیز صراحت به تحدی، ظهور در این دارد که به تمامی خصوصیات قرآن و صفات کمالی که از نظر لفظ و معنا دارد تحدی شده، نه تنها به فصاحت و بلاغت لفظ آن؛ زیرا اگر منظور معجزه بودن لفظ آن بود دیگر معنا نداشت که همه جن و انس را دخالت دهد، بلکه باید می‌فرمود: اگر همه عرب جمع شوند نمی‌توانند به مثل آن بیآورند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۸۰). قید «لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ» به این معناست که آنها نمی‌توانند این کار را انجام دهند هر چند در این کار ظهیر و پشتیبان یکدیگر باشند. آیت الله معرفت این امر را یک اخبار غیبی می‌داند که جز از زبان «عالم الغیب و الشهاده» امکان صدور ندارد (معرفت، ۱۳۹۳: ۲۲۴). در این آیه صحبت از گفتمان مشیت الهی است که چیره بر سایر گفتمان‌هاست. این

گفتمان حکایت از حضور مرجعی قدرتمند دارد که منشأ اصلی همه توانش‌ها و کنش‌ها به شمار می‌رود (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۴)؛ بنابراین، سرآغاز آیات تحدی با این نوع گفتمان آغاز می‌گردد به طوریکه ابتدا توانش تمام جن و انس را تحت تأثیر قرار داده «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ» تا مثل قرآن را بیاورند و سپس از آینده‌ای خبر می‌دهد که این اتفاق رخ نخواهد داد.

از این رو اگرچه اکثر عالمان، آیه ۸۸ سوره اسراء را از جمله آیات تحدی به کل قرآن دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد این آیه اخبار و اعلام به تحدی قرآن و آورنده آن است؛ تحلیل گفتمان این آیه، حاکی از آن است که خداوند اراده خود را در امر تحدی روشن می‌سازد و این آیه مقدمه‌ای بر سایر آیات تحدی می‌شود. زیرا بنا بر گزارش قرآن، مخالفان آن حضرت از دو نظر با او به مخالفت برخاستند. یکی از این روی که آن حضرت همانند آنان بشر است و نبوت شایسته بشر نیست: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ» (الأنعام/۹۱)؛ «وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا» (الفرقان/۷). جنبه دیگر، مخالفت با معجزه آن حضرت (قرآن کریم) بود. از این رو، خداوند متعال بر پایه آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كُنَّا نَعْبُدُهُمْ لِبَغْضِ ظَهْرِهِ» (الاسراء/۸۸)، مخالفان رسالت آن حضرت را به تحدی به قرآن و تحدی به آورنده آن فرامی‌خواند. ثانیاً در این آیه و قبل و بعد از آن، سخنی از افترا بودن قرآن از جانب پیامبر به میان نیامده است، در صورتی که در دیگر آیات تحدی، واژه «افتراء» یا واژه‌ای که از نظر معنا در راستای آن است، یعنی «تقوله»، به کار رفته است. ثالثاً در آیه مورد بحث، برخلاف آیات تحدی دیگر، فعل امر «فَأْتُوا» یا «فَلْيَأْتُوا» و قید «وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ» و «إِنْ كُنْتُمْ كَانُوا صَادِقِينَ» نیامده است. از این رو، آیه ۸۸ سوره اسراء اخباری از جانب خداوند در دعوت منکران قرآن و رسول به تحدی است.

تبيين گفتمان تحدی در آیه ۳۸ سوره یونس، حاکی از آن است که خداوند در سوره یونس به ذکر ویژگی‌های قرآن و تهمت‌های منکران در مورد تولید شدن قرآن به دست غیر خدا «مِنْ دُونِ اللَّهِ» می‌پردازد. به تعبیر دیگر، در ابتدای سوره به تکذیب وحی و کلام الهی در نظر کافران اشاره می‌کند: «أَنَّ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ» (یونس/۲) تا اینکه در آیه سی و هفتم، شبهه افترا بودن قرآن و بافته

شدن قرآن توسط حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را رد می‌کند «وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ» و در انتها می‌فرماید که هیچ شکی در اینکه این قرآن از سوی پروردگار جهانیان است، نمی‌باشد «لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ». سپس در آیه سی و هشتم تحدی خود را اعلام می‌دارد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

این آیه نشان می‌دهد که مبارزه‌طلبی به خاطر ادعای منکران بوده است. «در همانند آوری قرآن عنصر زاویه دید مشرکان (و نیز همه مخاطبان) نسبت به قرآن دخالت دارد. زیرا نمی‌توانیم ادعای همانندآوری از ناحیه قرآن را فارغ از شرایط نزول و دیدگاه مخاطبان آن معنا کنیم» (نजारادگان، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

پس در این آیه در برابر ادعای منکران در مورد غیر الهی بودن قرآن و تولید شدن قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خداوند از آنان می‌خواهد از بین خودشان بدون کمک گرفتن از خداوند، در حد یک سوره مثل سوره‌های قرآن بیاورند و ادعای خویش را ثابت نمایند.

آیه ۱۳ سوره هود «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» نیز شبیه به آیه سی و هشتم سوره یونس است با دو تفاوت، یکی در میزان تحدی و دیگری در ذکر کردن قید «مُفْتَرِيَاتٍ». تحدی در این آیه شریفه شامل تمامی جهاتی است که قرآن متضمن آن است: چه معارف الهی و چه اخبار غیبی و چه براهین ساطع و مواعظ حسنه، و چه دستورات مهم اخلاقی، و چه شرایع الهی، و چه فصاحت و بلاغت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۴۲).

گفتمان ابتدای آیه می‌فهماند که از نظر منکران، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان یک بشر نمی‌تواند چنین محتوایی را با این سبک و ساختار تولید کند. خداوند در برابر این تهمت از آنان می‌خواهد که ده سوره مثل این دروغ‌بافی‌ها که خودتان اعتقاد دارید، بیاورید. حرف «فاء» در کلمه «فاتوا» تفریع این صیغه امر بر کلمه «افتراء» را می‌رساند.

اما در آیه «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ - فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور/۳۴-۳۳)، ابتدا تهمت منکران قرآن با قید «تَقَوَّلَهُ» بیان می‌شود. تقوّل عبارتست از گفتار تحمیلی، و این لغت جز در مورد دروغ استعمال نمی‌شود (طبرسی، بی‌تا، ج ۳: ۳۵۹). خداوند دلیل این گفته‌ها را بی‌ایمانی ایشان می‌داند. از همین روست که آنها را در آیه سی و چهارم به تحدی فراخوانده و بیان می‌کند که گفتاری (حدیثی) مثل آنچه بر پیامبر (ص) نازل شده بیاورند. اما بر خلاف سایر آیات، منکران در این آیه به

دعوت از سایر همفکران خود در این مبارزه نمی‌پردازند. علامه تحدی در این آیه را عمومی‌تر از آیات سوره اسراء، یونس و هود می‌داند و آن را تحدی مطلق می‌داند در آوردن سخنی که خصایص قرآن را داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۵۱).

با در نظر گرفتن سیر نزول آیات تحدی البته صورت تقریبی، تبیین گفتمان آیات تحدی در سوره بقره به این صورت است که در ابتدای سوره بقره «ریب» از ساحت قرآن نفی شده: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» و پس از بیان عظمت قرآن و نیز بیان تهمت‌هایی که کافران و منکران نسبت به پیامبر (ص) روا داشته‌اند، در آیه بیست و سوم و بیست و چهارم سوره «و إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ - فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلٰكِن تَفْعَلُوا فَأْتُوا نَارَ الَّتِي وَوُودَهَا النَّارُ الَّتِي وَوُودَهَا النَّاسُ وَ الِحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِّلْكَافِرِينَ» تحدی، مطرح می‌شود. با توجه به اختلاف مرجع ضمیر در «مثله» اختلاف که هم می‌تواند به «ما» در «مِمَّا نَزَّلْنَا» و هم به «عبد» در «عَبْدِنَا» برگردد؛ بنابراین، شک منکران هم می‌تواند در مورد منشأ قرآن باشد هم پیام‌آور قرآن که با وجود امی بودن این قرآن را با خود به همراه دارد و هم می‌تواند ناظر به هر دو وجه باشد. حال خداوند در برابر این شک همراه با تهمت به آنان امر می‌کند که سوره‌ای مثل قرآن بیاورند. در این راستا می‌تواند از گواهان خود به جز خداوند، برای این کار دعوت کنند و در یک نظام گفتمانی القایی آنان را با خود همراه کنند. آنان ناگزیر می‌شوند برای صدق ادعای خود وارد این مبارزه شوند. حربه تنش-عاطفی در این سطح نه تنها توانش منکران را برمی‌انگیزد، بلکه سبب می‌گردد تا حافظه چنین عاملی جز در راستای آنچه باید به آن پردازد، عمل نکند (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

اما آنچه در انتهای آیات تحدی می‌آید همان امری است که در آغاز آیات تحدی (آیه ۸۸ سوره اسراء) به آن اشاره شد و آن عدم موفقیت منکران، به همانندآوری با قرآن است و نتیجه گفتمان را روشن می‌کند. بنابراین در سطح تبیین بر هر متنی اندیشه و تفکری غالب، سایه می‌افکند. این فکر غالب از ایدئولوژی ماتن جدا نیست. در این آیات نیز تفکر و اندیشه‌ای که خداوند متعال قصد بیان آن را بندگان را دارد سیطره قدرت و علم است. به این معنا که قرآن از علم الهی سرچشمه گرفته است. چراکه قرآن کریم از سوی خدای واحد است و تلاش انسان‌ها برای همداری با آن، تلاشی بی‌فایده بوده که منتج به نتیجه‌ای نمی‌گردد.

۴- نتیجه

گرچه گفتمانِ تحدی، تحت تأثیر اوضاع سیاسی حاکم، به ویژه رفتار مشرکان، شکل گرفته و نمود تأثیر متقابل قرآن برکنش مشرکان است اما واکاوی گفتمانِ تحدی بر طبق نظریه نورمن فرکلاف در مرحله توصیف، حاکی از شمول زمانی آن است. کلماتی مثل: «إفتراه، ریب، مثل، تقوّل و ...» در ساختار زمینه‌ای گفتمان، نقش محوری داشته و در تبیین چرایی این گفتمان و ارتباط آن با عوامل محیطی و اجتماعی دخیل هستند؛ زیرا دروغ خواندن قرآن و تهمت به ساحت قرآن و آورنده آن، سبب شکل‌گیری گفتمانِ تحدی می‌گردد. مماثلت در آیات گوناگون بنا بر نوع مخاطبان و کنش‌های اجتماعی آنها به صورت‌های مختلفی آمده و بر اساس تهمت و ادعای منکران نوع مماثلت در آیات تحدی روشن می‌گردد؛ این امر با توجه به سیاق سوره و نیز توجه به سایر آیات در سطح دوم تحلیل فرکلاف یعنی گفتمان به مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن به دست می‌آید.

مطابق الگوی تحلیلی نورمن فرکلاف، در سطح سوم تحلیل، که مرحله تبیین است، ادعای منکران آنها را از وضعیت اولیه در مقام تهمت‌زننده و انکارکننده به وضعیت ثانویه در مقام همانندآوری برای قرآن تبدیل می‌کند؛ آیه هشتاد و هشت سوره اسراء به نوعی سرآغاز تحدی است و سپس در آیات دیگر با توجه به صیغه امر «فأتوا» خطاب به منکران، توانش آنان در یک گفتمان احساسی، تحریک شده و آنان در مسیر تحدی سوق داده می‌شوند. اما سرانجام آیات تحدی در آیه بیست و چهارم سوره بقره رقم می‌خورد که مانند آیه هشتاد و هشت سوره اسراء، نتیجه گفتمان را بیان می‌کند و از عدم موفقیت منکران در این همانندآوری یاد می‌کند.

منابع:

قرآن کریم؛

۱. آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۱)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، مجله ادب پژوهی، ش ۱، ص ۱۸.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۸۷)، ترتیب مقایس اللغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. اثنی عشری، فاطمه (۱۳۹۵)، «چرایی تفاوت آیات تحدی از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان»، اندیشه علامه، شماره ۴، صص ۷-۲۴.

۴. ابن هشام انصاری، جمال‌الدین بن یوسف (۱۴۲۳)، مغنی‌اللبيب عن كتب الأعراب، چ ۱. کویت: السلسله التراثیه.
۵. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱)، خدا و انسان در قرآن، چ ۵. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. بنت‌الشاطی، عایشه (۱۳۷۶)، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. بشیر، حسن (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۸. بهجت‌پور، عبدالکریم، بهجت‌پور، زهرا (۱۳۹۴)، «سیر تنزیلی آیات تحدی»، فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، شماره ۷۷، صص ۶۷-۹۶.
۹. پهلوان، منصور (۱۳۸۲)، «تحقیق در وجه اعجاز قرآن کریم»، سفینه، شماره ۱، صص ۵-۱۷.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء.
۱۱. جواهری، محمدحسن (۱۳۹۵)، «واکاوی ملاک تحدی در قرآن و نقد منطق تنزیلی»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲، صص ۱۱۰-۱۳۵.
۱۲. درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵)، اعراب القرآن الکریم و بیانیه. دمشق: دار الإرشاد.
۱۳. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰)، مفاتیح‌الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. رافعی، مصطفی صادق (بی‌تا)، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، دار الکتب العربیه.
۱۵. زرکشی، محمدبن عبدالله (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۱۶. زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۷. سلطانی بایرامی، اسماعیل (۱۳۹۱)، «راز تحدی‌های گوناگون قرآن از منظر استاد مصباح»، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۸.
۱۸. سلیم الحوت، محمود (۱۳۹۰)، باورها و اسطوره‌های عرب پیش از اسلام، ترجمه و تحقیق منیژه عبدالهی. تهران: نشر علم.
۱۹. سوسور، فردینان (۱۳۸۲). زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
۲۰. شعیری، حمید رضا (۱۳۸۶)، «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه-معناشناسی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۱۹، صص ۱۰۶-۱۱۹.

۲۱. شکرانی، رضا، مطیع، مهدی (۱۳۸۹)، «گفتمان‌کاوی و کاربست آن در متون روایی»، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره سوم، صص ۷۱-۱۰۰.
۲۲. صانعی‌پور، حسن (۱۳۹۴)، «راز تحلی‌های گوناگون قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۲۲، صص ۱۵۹-۱۸۲.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرسی، محمدحسن (بی‌تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، چاپ اول، تهران، فراهانی.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۶. فرکلاف، نورمن (۲۰۰۱) «تحلیل انتقادی گفتمان»، گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات رسانه.
۲۷. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۴)، القاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. القرشی، ابوالخطاب (۱۹۸۱)، جمهره أشعار العرب، تحقیق علی محمد البجاوی. مصر: نهضة مصر.
۲۹. کوبلی، پاول (۱۳۸۷)، نظریه‌های ارتباط، احسان شاقاسمی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷)، قرآن‌شناسی، با تحقیق محمود رجبی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۳۱. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۳)، علوم ارتباط، مترجم قرآنی، چاپ هشتم، تهران، سمت.
۳۲. میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳)، فرآیند تحلیل گفتمان، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۳۳. نجارزادگان، فتح الله، شاهمرادی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، «معیارشناسی مثلثیت در آیات تحلی‌»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، شماره پیاپی ۸۸، صص ۱۱۷-۱۳۱.

An Analysis of *Al-Tahaddi Ayahs* Based on Norman Fairclough's CDA Approach¹

Mohsen Zolfaghari²

Fatemeh Dastranj³

Abstract

Norman Fairclough's critical discourse analysis is an important theory of discourse analysis. While expressing the relationship between the internal and external evidences of the text and relying on linguistic forms and signs, this theory seeks to examine the dominant power of society and the space in which the literary work is formed through the three axes of description, interpretation and explanation, and to read through some kind of ideological concept beyond the text. Using a descriptive-analytical approach and based on the analysis of Fairclough's critical discourse analysis, the present study concluded that at the «description» level, the key words used to describe and critique the speech and behavior of the polytheists with varying frequency in the context of *Al-Tahaddi Ayahs* have played a central role in the representation of the ideology governing the society, and serve as a comprehensive and accurate reflection of the circumstances of the society in the era of the coming down of the Qur'an. The level of «interpretation» is a combination of textual content and contextual knowledge, consistent with historical mutual action that shows how social structures describe and define discourse as social action. At the level of «explanation», the Qur'anic rhythmical order and rhetoric are the most important factors in people's trying to emulate the Qur'an. However, the social relations of the era of the descent and the extratemporal dimensions of the Qur'an have also been influential in the revelation of the ayahs.

Keywords: discourse analysis, *Al-Tahaddi Ayahs*, Norman Fairclough.

1. Date Received: November 22, 2019 ; Date Accepted: January 20, 2020

2. Corresponding Author: Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak University

3. Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Arak University